

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۶ اکتبر ۲۰۱۱

## فرهنگ وحشت و کشتار سرداران جنگی عرب

۱

قابل توجه خوانندگان گرامی: نوشتار ذیل را که در بخش های مختلف خدمت تان تقدیم می گردد به اساس ردیف بندی تاریخ وقوع آن نوشته نشده بلکه به اساس خشونت های روا داشته شده توسط اعراب بر مردم یادداشت گردیده است و همچنان قابل ذکر می دانم که شرح قسمتی از جنایات و بیدادگری این شیدان اسلامی در نوشتار های قبلی زیر عنوان "غزوات محمد" آمده است. اگر تصادفاً بعضی از آن یادداشت ها تکراراً نوشته شده معذرت می خواهم.

### بخش اول

در نوشته های زیر مکث کوتاهی بر فرهنگ خشونت اسلامی داشته و با ذکر مختصر از شرح جنایات و آدمکشی های سرداران عرب که شمه ای از سنگدلی و چپاول آنها را به نمایش می گذارد بسنده نموده و تا حد ممکن با ملاحظه کتاب های تاریخی اعمال اسلامی آنها را به تحلیل خواهیم گرفته چندان توان اعمال شوم و نگبت بار جنائی سرداران عرب را که سرتاسر تاریخ بشری از آن پر است درین نوشتار کوتاه بیان نمود، با آنهم در حد امکان به همین ارتباط این بحث را ادامه می دهیم تا باشد آنانی که اسلام را دین برابری و برادری می دانند در این باره اگر چیزی می دانند روشنی بیندازند تا برداشت ما را از قرآن و اسلام غنی تر سازند؟؟

در ایام قدیم پادشاهان و سلاطین مستبد مخالفین و شورشیان علیه دولت خود را به قتل می رسانیدند و گاهی هم فرمان **سر بریدن** و به دربار آوردن سر رهبر شورشیان را دستور می دادند تا برای سلطان با دیدن سر مخالف خود، آرامش دست دهد. در زمان حاکمیت محمد بنیان گذار اسلام، او از این روش استفاده نموده و حکم قتل و سر بریدن مخالفین شخصی اش را هم صادر می نمود. عبدالله بن مسعود از سرداران جنگی محمد که بنا به دستور محمد ابوجهل را کشان کشان که او آخرین نفسهایش را می کشید می برد و در بین راه **سر او را بریده** و سر را با وسایل

ابوجهل نزد پیامبر آورد که باعث لبخند جناب شان گردید و نظر به هدایت محمد سر اورا در یک چاه انداخت. در آنوقت ها بعد از بریدن سر، گوش‌ها را نیز می بریدند. گوشت های داخل گردن را خالی می کردند و روغن داغ می ریختند تا عفونت نکرده و بو نگیرد سپس با کیسه های مخصوص با یخ حمل می کردند و به هدایت دهنده می رساندند. در آغاز مسلمانان بعد از کشتار وحشیانه قبایل دیگر اسیران دستگیر شده را با گرفتن فدیة آزاد می نمودند اما نه همه آن‌ها را و کسانی که دشمن شخصی محمد بود او باید سرش بر بیده می شد. در جنگ احد ابو عزه جمحی که نامش عمرو بن عبدالله بن عمیر بن وهب بن حذافه است اسیر محمد شد. او بانگ بر داشت: ای محمد بر من منت گذار و آزادم کن. محمد به عاصم بن ثابت بن اَبی اقلح فرمود: سر او را بزن. و او گردن زده شد. در مورد سر بریدنها و کشتار مردم توسط محمد قبلاً در نوشتاری زیر عنوان (غزوات محمد) تحریر گردیده است. محمد حجیری در کتاب فتوح مصر می نویسد:

موسی بن نصیر از فرماندهان فتوحات، کسی را که بر طنحه (از شهر های مرکزی مراکش که در کنار تنگه جبل الطارق قرار دارد) گماشته بود عزل کرد و طارق بن زیاد را در آنجا گمارد و طارق در آنجا کنیز خود (ام حکیم) را به همراه داشت. مدت زمانی برای حفاظت از مرز ها جا ماند و این در سال ۹۲ بود و سپس برای گرفتن قرطبه لشکر کشید و به جزیره ای وارد شد که در آن کنیز خود (ام حکیم) و عده ای از سر بازان را قرار داد و از آن روز آن جزیره را ام حکیم می نامند. مسلمانان وقتی به این جزیره آمدند عده ای به نام کرامین (قومی از مسیحیان که به شغل انگور کاری مشغول بودند) را در آن جزیره دیدند و آنان را دستگیر کردند و آنگاه یکی از مردان کرامی را جلو چشمان دوستانش سر بریده قطعه قطعه کردند و آنرا داخل دیگ قرار داده پختند و دیگری را که از گوشت مرده بود بی آن که دیگران متوجه شود بر گردانده و خود شان هم از گوشت مزگور خوردند. کرامین یقین پیدا کردند که مسلمانان گوشت انسان می خورند پس باقیمانده کرامین به اندلس رفته و به اهل اندلس گفتند: مسلمانان گوشت آدمها را می خورند. (فتوح مصر و اخبارها ص ۳۴۵-۳۴۶)

در جنگ تالقان که در سال ۹۱ هجری اتفاق افتاد چنان کشتار و خون ریزی صورت گرفت که در طول تاریخ بشر کم سابقه و یا حتی بی سابقه بوده است. ابن اثیر می نویسد: «قتیبه از فرماندهان نظامی به نیشاپور و شهرهای دیگر نامه نوشت که به لشکر او بپیوندند و آنان پیش از رسیدن لشکر او به طالقان به او پیوستند. مزدک اقدام به خلع قدرت حاکم طالقان کرده بود و وقتی که قتیبه به آنجا رسید با مردم در گیر شد و انبوهی از مردم را به قتل رساند و صفی از مردم را به طول چهار فرسخ به دار آویخت»

(الکامل فی التاریخ ج ۴ ص ۵۴۵) بن اثیر می نویسد:

سعید بن عاص فرمانده ارتش وارد گرگان شد و با گرفتن دو صد هزار دینار با آنان مصالحه کرد سپس به طمیسه رفتند با مردم آنجا جنگ کردند... و سعید با شمشیر بر سر مردم می کوبید که از زیر بغل شان می بر آمد. هنگامی که شهر طمیسه را به محاصره درآوردند مردم شهر از آنان در خواست امان کردند به آنان امان داده شد وقتی درب قلعه را باز کردند به جز یک مرد همه را کشتند سپس آنچه که در قلعه بود تصرف کردند. (الکامل فی التاریخ ج ۴ ص ۱۱۰) و همچنین در قصه فتح دهستان رئیس شهر از فرمانده ارتش اموی یزید بن مهلب امان خواست وی پس از آن که امان داد وارد شهر شده و تمام اموال قیمتی و باارزش را تصرف کردند و زنان را به اسارت گرفتند و آنگاه همه مردم را که ۱۴۰۰۰ نفر بودند به صورت فجیعی قتل عام کرد. (تاریخ طبری ج ۵ ص ۲۹۴)

عمرو بن حمق خزائی که صحابی پیامبر نیز بود سرش توسط معاویه بریده شده و دستور داد تا در شهر ها بگردانند. در این جنایت خلیفه اسلام آن قدر مصر بود که حتا مخالفت عایشه " ام المؤمنین" هم فایده نکرد.

ادامه دارد